



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515



۱۳۳۱ ■ یکشنبه | ۳ دلو ۱۳۹۵ | سال ششم

1231 ■ SUNDAY | 22 JANUARY 2017 | YEAR 06

یادداشت روز

## مقاومت بنیادگرایانه از پشت میز غازی امان الله

اگر رییس جمهور غنی طرح توزیع تذکرةهای کتابچه‌یی را بپذیرد، آیا آن را در روی میزی که از امان الله خان به میراث مانده، امضا خواهد کرد؟ هنوز پاسخ آن مشخص نیست، اما اگر نوعیت برخورد با نمادها را به معنای نشانه‌های رفتارشناسانه در نظر بگیریم، می‌توانیم درک روشن‌تری از افراد، نگرش و رفتار واقعی آن‌ها داشته باشیم.

دو روز پیش، سرانجام رییس تثبیت هویت در اداره‌ی ثبت احوال نفوس کشور گفته است که به‌تازگی و به هدف جلوگیری از جعل شناسنامه‌های ورقی و پایان دادن به سوءاستفاده از این نوع تذکرةها، طرح کتابچه‌یی شدن تذکرةها را به رهبری حکومت پیش نهاده‌اند. این کتابچه‌ی هشت صفحه‌یی که شامل برخی کدهای امنیتی، شناسنامه‌ی افراد به سه زبان و مواردی است که جعل و سوءاستفاده از آن را سخت‌تر می‌کند. این طرح پس از معلق ماندن سرنوشت «توزیع تذکرةی الکترونیک» ساخته شده است و احتمالاً با این نیت که عیب‌ها و خلاهای تذکرةهای ورقی را برطرف سازد.

طرح توزیع تذکرةی الکترونیک در دوره‌ی اول ریاست جمهوری حامد کرزی پیشنهاد شد. مبتنی بر این طرح، تذکرةهای الکترونیک که شامل تمامی اطلاعات مشخص، قابل تفکیک و مهم افراد می‌بود، می‌باید در چند مرحله چاپ و توزیع می‌شد. این تذکرة با مرکز دیجیتال اسناد شهروند که شامل بانک ملی اطلاعات نیز می‌شد، وصل و قابل ردگیری بود. به این ترتیب، سیستم احصائیه‌ی مرکزی کشور کاملاً الکترونیک می‌شد. کاری که اولاً عرصه را برای برشمردن نفوس واقعی کشور...

ادامه در صفحه ۲

# نابودی میلیونی؛ نه میلیون شهر و ندمنتظر کمک بشر دوستانه



صفحه ۳



### تحقیق‌سازی تحت عنوان خدمت

به شتر می‌گویند چرا گردنت کج است؟ شتر پاسخ می‌دهد: کجایم راست که گردنم نیست؟ این لطیفه، بیان وضعیتی است که افغانستان در آن...

صفحه ۵



چگونه  
در افغانستان  
پیروز شویم؟  
ایالات متحده  
باید رویکرد سیاسی  
جدیدی در قبال  
افغانستان اختیار کند

صفحه ۴



# 60000

دقیقه فقط در بدل 499 افغانی برای 30 روز



#1\*2\*233\*

#2\*2\*233\*

برای لغو اشتراک:  
برای لغو اشتراک:  
را دایل نمایید.



ارتباط دهنده افغانستان  
Connecting Afghanistan












جنگ دوامدار و بازگشت بی‌پیشنه‌ی مهاجرین افغان از کشورهای پاکستان و ایران حکومت افغانستان و سازمان ملل متحد را بر آن داشته است تا برای ۹,۳ میلیون افغان که در سال ۲۰۱۷ میلادی نیازمند کمک‌های بشردوستانه خواهند بود، فراخواهان کمک بدهند.

عبدالله عبدالله رییس اجراییه‌ی حکومت وحدت ملی و مارک باوون هماهنگ‌کننده‌ی کمک‌های بشری سازمان ملل در افغانستان در نشستی در کاخ سپیدار از جامعه‌ی جهانی خواستار ۵۵۰ میلیون دالر امریکایی برای کمک‌های بشری در سال ۲۰۱۷ میلادی شدند.

به گفته‌ی ریاست اجراییه سرپناه اضطراری، اقلام غیر غذایی، زراعت و مصونیت غذایی، صحت، تغذی، آب، حفظ‌الصحه و پول نقد در مواردی از جمله بازگشت‌کنندگان از عرصه‌هایی است که نیازمند کمک می‌باشند.

آقای عبدالله به روز شنبه، ۲ دلو گفت ۲۴۰ میلیون دالر امریکایی مربوط به نیازمندی‌های عاجل، مهاجرین و عودت‌کنندگان و ۳۱۰ میلیون دالر مربوط بخش‌های رسیدگی به نیازمندی‌های بیجاشدگان داخلی و متضررین حوادث طبیعی و غیرطبیعی می‌باشد.

او گفت: «در این برنامه ۵۵۰ میلیون دالر پیش‌بینی شده است که تمام نیازها را در تمام عرصه‌هایی که بیشتر یاد کردم در بر می‌گیرد»

رییس اجراییه ابراز امیدواری نمود که جامعه‌ی جهانی به این فراخوان پاسخ مثبت داده و از آن برای ایجاد رسیدگی، تغییر و بهبود زندگی متضررین، بی‌جاشدگان و عودت‌کنندگان استفاده شود.

او در این نشست گفت این بخش کمک‌های بشری و مساعدت‌های عاجل خارج از چارچوب برنامه‌ی صلح و انکشاف ملی افغانستان که در کنفرانس بروکسل جامعه‌ی جهانی تعهد دادند، می‌باشد.

مارک باوون، هماهنگ‌کننده‌ی کمک‌های بشردوستانه‌ی سازمان ملل متحد برای افغانستان نیز گفت جامعه‌ی بشری به‌صورت خستگی‌ناپذیری سعی بر نجات جان و کاهش آلام میلیون‌ها نفر داشته‌اند. او گفت: «هرچند میزان کنونی نیازها در افغانستان از جامعه‌ی بشری می‌طلبد که مساعدت‌های بیشتری برای حصول اطمینان از این‌که جان بسیاری از افغان‌ها به مخاطره نیافتاده و در نتیجه زندگی مصون و با وقاری داشته باشند، صورت گیرد»

آقای باوون گفت شمار نیازمندان جدی به کمک‌های بشری به سه میلیون نفر می‌رسد و از این کمک‌ها در مجموع پنج میلیون و هفتصد هزار نفر مستفید خواهند شد.

### سال پرچالش و استثنایی برای افغانستان

هماهنگ‌کننده‌ی کمک‌های بشردوستانه‌ی سازمان

ملل برای افغانستان سال ۲۰۱۷ را سال پرچالش و استثنایی دانسته و گفت که به استثنای سوریه، هیچ کشوری مانند افغانستان با موج مهاجران عودت‌کننده به کشور روبه‌رو نیست و این مسأله از یک‌سو کمک‌های بیشتر و از جانبی به هماهنگی گسترده‌تر نیازمند است.

در همین حال اندرس سورگ، سفیر دولت شاهی سوئد برای افغانستان هشدار می‌دهد که در سال ۲۰۱۷ میلادی شمار بی‌جاشدگان از مرز ۱۵۰۰ نفر در روز نیز افزایش خواهد یافت.

### چرا کمک بیشتر؟

در سال ۲۰۱۶ حکومت افغانستان فراخوان ۴۴۰ میلیون دالری برای کمک‌های بشری داده بود. در سال‌های قبل از آن نیز فراخواهان صورت گرفته بود و جامعه‌ی بین‌المللی افغانستان را در این بخش کمک کرد.

آقای عبدالله گفت امسال فراخوان ترتیب شده، بزرگ‌ترین فراخوان در این عرصه است. این فراخواهان دلیل دارد: دوام جنگ با وجود صدای حکومت وحدت ملی برای صلح و مصالحه که جواب مثبت نگرفته، بیجاشدگی داخلی از جمله در قندوز، حوادث طبیعی از جمله زلزله، سیلاب، رانش زمین و خشکسالی.

### کمک‌ها ضایع نشده

عبدالله عبدالله خطاب به همکاران جامعه‌ی جهانی گفت آن‌هایی که در راستای اراییه‌ی کمک‌های بشری پیش‌قدم بوده، مطمئن باشند کمک‌هایشان ضایع نبوده و بالای زندگی میلیون‌ها نفر تاثیر گذاشته است.

او گفت: «در سال گذشته در مجموع بیشتر از ۲,۳ میلیون نفر که نیازمند کمک بودند، از کمک‌های عاجل غذایی، صحتی، سرپناه، مصونیت آب و حفظ‌الصحه مستفید شده‌اند. این رقم یک رقم بسیار بزرگ است»

رییس اجراییه گفت ۱,۵ میلیون نفر که از سوءتغذیه متأثر بودند، کمک دریافت کرده‌اند و به ۱,۳ میلیون نفر کمک صحتی صورت گرفته است. او گفت: «به بالاتر از ۶۰۰ هزار نفر بیجاشدگان داخلی رسیدگی صورت گرفته است، درحالی‌که حدود یک میلیون بازگشت‌کننده ما داشتیم، به یک بخش عمده‌ی این‌ها هم کمک صورت گرفته است»

### «نگذاریم مردم به پایین‌تر از خط فقر بروند»

رییس اجراییه گفت به‌صورت کل این کمک‌ها باید ما را آماده بسازد که آسیب‌پذیری‌های مردم کم شود. او گفت: «از شهروندانی که در این‌جا زندگی می‌کنند و نگذاریم که بیشتر مردم به پایین‌تر از خط فقر بروند درحالی‌که شرایط را

آماده بسازیم که این‌ها خودشان سهم در زندگی و انکشاف کشور داشته باشند»

آقای عبدالله گفت به جامعه‌ی جهانی و کشورهای کمک‌کننده اطمینان می‌دهد که کمک‌هایشان در بهبود وضعیت افغانستان موثر باشد. او گفت دولت افغانستان آمادگی کامل برای هرگونه همکاری در این راستا را داشته و متضمن شفافیت و حسابدهی روند کمک‌ها و موثریت فعالیت‌ها می‌باشد.

افغانستان یکی از کشورهای بحران‌زده و دارای خشونت زیاد است که گسترش جغرافیایی و عمیق شدن روزافزون جنگ باعث افزایش ۱۳ درصدی در آمار افراد نیازمند به کمک‌های بشری گردیده است. نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه و قانون حقوق بشر به‌شمول قتل‌های هدفمند، استخدام اجباری و حمله به تسهیلات تعلیمی و صحتی به‌صورت منظم صورت می‌گیرد.

در همین رابطه رییس اجراییه می‌گوید: «حمایت، محافظت و تدابیری برای انجام کار کارمندان بخش کمک‌های بشری و بشردوستانه، مطابق به قوانین بین‌المللی بشردوستانه وظیفه‌ی دولت ما است.»

### ۹,۳ میلیون نیازمند کمک‌های بشری کی‌ه‌ایند؟

«نمای اجمالی نیازهای بشری افغانستان» که از سوی تیم بشری کشوری و شرکا از بحران‌ها تهیه شده است، نشان می‌دهد که از مجموع ۲۹ میلیون نفر نفوس مجموعی (تخمینی) افغانستان ۳,۹ میلیون نفر در متأثرترین ولسوالی‌ها از جنگ زندگی می‌کنند. در این گزارش آمده است که ۹,۳ میلیون نفر نیازمند کمک‌های بشردوستانه هستند. از این میان ۴,۷ میلیون نفر آن را زنان و ۴,۶ میلیون نفر آنرا مردان تشکیل می‌دهند؛ ۰,۴ میلیون نفر مسن (۵۹ سال)، ۳,۶ میلیون نفر بالغ (۱۸-۵۹ سال) و ۵,۳ میلیون نفر اطفال (زیر ۱۸ سال) هستند.

حکومت افغانستان و سازمان ملل متحد در حالی فراخواهان کمک‌های بشری را اراییه می‌کنند که افغانستان در سال ۲۰۱۶ نیز سال دشواری را پشت سر گذاشته است. در این سال افغانستان شاهد بازگشت بیش از میلیون‌ها نفر از پاکستان و ایران بود و بین ۵۰۰ الی ۶۰۰ هزار نفر دیگر به‌دلیل جنگ، ناامنی و حوادث طبیعی از خانه‌هایشان بیجا شدند.

با این‌وجود، احتمال می‌رود که در جریان سال ۲۰۱۷ میلادی شمار بیشتر مهاجرین افغان از کشورهای ایران و پاکستان به کشور برگردند و این افغانستان را بیشتر نیازمند کمک‌های بشری می‌سازد.

مارک باوون در پیشگفتار «طرح پاسخ‌گویی بشری» نوشته است که توقع می‌رود در جریان سال ۲۰۱۷ میلادی تا یک میلیون عودت‌کننده‌ی دیگر از پاکستان و ایران به افغانستان بیایند.

### خبرنگار ناراضه

## نظر مایان در مورد ترامپ

دونالد ترامپ رسماً به‌حیث چهل‌وپنجمین رییس‌جمهور امریکا سوگند یاد کرد. مردم افغانستان از مردم عادی گرفته تا مقامات بلندپایه‌ی حکومت اظهارنظرهایی در این زمینه داشته که ذیلاً خدمت شما تقدیم می‌شود.

سهراب عمرمئل: به نظر من اگر دونالد ترامپ، جمهوری خبیث ایران را فشار بدهد باعث خوشحالی احاد ملت افغانستان خواهد گردید. چرا که ایران در این اواخر جاسوسان خویش را به هلمند فرستاده که طالبان را کمک کنند.

افتخارخان چهاردهی: ترامپ گفته که تروریسم را نابود خواهد کرد. بفرما کاکا ترامپ از پاکستان شروع کن. باز نگویی که چرا مرا آدرس نداید. بعد از پاکستان برو سراغ شیوخ عرب. از آن‌جا که فارغ شدی، بیا این ایران را هم زیر پا کن. بعدش بیا کابل، خواهی دید که نصف مقامات حکومت ما زاره‌کفک شده، آن‌هم به‌خاطر تروریستانی که شما نابود کرده‌اید. باز که خلاص شدی، یک چکر بیا طرف چهاردهی کابل که پیشانی‌ات را یک ماچ کنم.

علی کلاسیکو: من در روز تحلیف اوباما گریه کردم، چون اولین باری بود که یک سیاه‌پوست مقتدرترین رییس‌جمهور جهان می‌شد. اما در مراسم تحلیف ترامپ مشغول خنده بودم که ناگهان سلفی سفیر کبیر افغانستان را دیدم، بی‌اختیار در خوشحالی آقای محب شریک شدم و گریستم. با این تفاوت که خوشحالی او، برای من زهر ملامل بود. چرا باید عالی‌ترین دیپلمات کشور ما چنین باشد؟

یکی از وکلای مردم کابل در پارلمان: ضیاف باعث خوشحالی ما می‌بود اگر بی‌بی حاجی هیلاری جان رییس‌جمهور می‌شد. اما حالی که این ترامپ دیوانه شده، والله اگر سرش جمبه بگیرم.

مریم استئنا: ترامپ باید بداند که در جهان کشوری به اسم افغانستان وجود دارد و در همین افغانستان، زنان نیز زندگی می‌کنند. به نظر من اگر ترامپ به افغانستان و به زنان محروم این کشور توجه کند، میزان آزار و اذیت خیابانی در کابل و هرات کم خواهد شد.

سهیلیا شیرین‌پوست: ترامپ، اوباما، بوش و مخالف‌شان از یک جنس‌اند. این ماییم که به جای کار و همدلی، چسپیده‌ایم به پاجه‌ی ترامپ. کاش من در کانادا متولد می‌شدم و این‌همه بدبختی را تماشا نمی‌کردم.

ریاست اجراییه: جلال‌ت‌مآب رییس اجراییه آغاز به کار جلال‌ت‌مآب مستر دونالد ترامپ به عنوان ۴۵مین رییس‌جمهور امریکا را تبریک گفته و از بارگاه ایزد متعال برای وی صحت کامل و طول عمر آرزو کرد. جلال‌ت‌مآب دوکتور عبدالله عبدالله آماده است آقای ترامپ را در ساختن گریت امریکا همکاری همه‌جانبه نموده و انشاءالله اگر خواست خداوند بود، به وی مشوره‌های لازم را نیز اراییه کند. جلال‌ت‌مآب رییس اجراییه با اشاره به تماس تلفنی جلال‌ت‌مآب مستر ترامپ و غنی هیچ چیز نگفت. فقط دستمالش را از جیبش کشید و گفت که تقرر به‌جای آقای ترامپ را به ملت ستم‌دیده‌ی امریکا تبریک عرض می‌کنم.

سفارت افغانستان در واشنگتن: محترم حمدالله محب در حاشیه‌ی مراسم تحلیف دونالد ترامپ شرکت ورزیده و با درایتی که خداوند به او ارزانی فرموده، توانست دونالد ترامپ را هنگام قدم زدن شکار کند. وی در حالی که در همین روز تعداد از سفیران کشورهای دیگر را نیز دیده بود و احوال‌شان را جوییده بود، یک عکس سلفی بسیار تاریخی گرفت که برای مردم افغانستان جای افتخار است. حمدالله محب سفیر افغانستان در واشنگتن: یک سلفی از لای‌تان همراه ترامپ و گودی‌گاش (همسرش) نیز روا باشد. جای رییس‌جمهور خالی!

چه یک روز دیدنی بود. چنانسوری صاحب: با دیگران پنج دقیقه، با ما بیست دقیقه تلفنی صحبت کرد، ترامپ، ما حالا در رنکینگ تماس تلفنی آقای ترامپ، در صدر جدول قرار داریم. بعد از ما خود امریکا قرار دارد چرا که ترامپ در مراسم تحلیف خود برای امریکا و مردمش کمتر از بیست دقیقه صحبت کرد. پاکستان و ایران اصلاً در دور مقدماتی این مسابقات حذف شدند. برای مردم افغانستان تبریک!

# چگونه در افغانستان پیروز شویم؟

## ایالات متحده باید رویکرد سیاسی جدیدی در قبال افغانستان اختیار کند

ترجمه: حمید مهدوی

نشست انترست/دانا رور اباکرو



طالبان و داعش است. این، برای آنهایی که برای ایجاد یک جامعه‌ی نجیب و پایدار تلاش می‌کنند، نشانه‌ی خوبی نیست.

آیا کسی در حکومت مرکزی جزئیات حرکات دوستم را در اختیار جنگجویان طالبان قرار داده بود؟ هم‌چنین، چرا حکومت مرکزی در مورد دفاع از مناطق غیرپشتون علیه حملات مکرر طالبان و داعش تا این حد بی‌تفاوت به نظر می‌رسد؟ برای ایالات متحده و متحدانش بسیار دیر است که تعدیلات لازم را به اجرا بگذارد. کانگرس توجه می‌کند. ناکامی یک گزینه نیست - یا نباید یک گزینه باشد. حکومت مرکزی در کابل کنترل را از دست می‌دهد و طالبان در حال پیشرفت هستند. پاسخ، سربازان بیشتر امریکایی و پول نیست، بلکه رهبران با دیدگاهی است که رویکرد ما را تغییر خواهند داد و اراده‌ی سیاسی لازم برای پیروز شدن را فراهم خواهند کرد. برای پیروزی، ما به رویکردهای سیاسی، نظامی و اقتصادی متفاوتی نیاز داریم. واشنگتن دی.سی باید برای آوردن تغییرات سیاسی لازم رهبری اخلاقی را به کار ببرد و از راه فرماندهان ارتش و مردم افغانستان کنار برود و بگذارد آن‌ها پیروز شوند.

فرماندهان ارتش ما برای ایجاد یک نیروی جنگی افغان که توانایی دفاع از این ملت را داشته باشد آخرین تلاش‌هایشان را به خرج داده‌اند، اما ماهیت مشکلاتی که افغانستان به آن مبتلا است، از جمله ارتش ناکارآمد، در ماهیت سیاسی‌اند. با دادن خودمختاری به گروه‌های اجتماعی افغانستان و حمایت لازم از آن‌ها در دفاع از خودشان - از جمله پشتیبانی هوایی نزدیک، تدارکات مجدد هوایی، تخلیه‌ی پزشکی از طریق هوا و توانایی جمع‌آوری معلومات استخباراتی - این فرماندهان ارتش قادر به تغییر مثبت اوضاع خواهند بود. ایالات متحده و متحدانش توانایی آن را دارند کاری کنند که این اتفاق با یک هزینه‌ی معقول بیفتد. قوانین فعلی دخیل بودن [در افغانستان] به‌طور مضحکی مانع پیروزی‌اند. به نظر می‌رسد که وکلای مدافع مسئول هستند، نه فرماندهان میدان نبرد. این قانونی‌سازی بیش از حد جنگ نیست نیک دارد، احتمالاً هدف آن به حداقل رساندن کشته و زخمی شدن غیرنظامیان است. متأسفانه، چنین چیزی به‌عنوان یک جنگ

«خوب» در آن بخشی از دنیا وجود ندارد. ما باید بر این تصور غلبه کنیم که می‌توانیم در جنگ‌ها پیروز شوم بدون این‌که کسی را ناخواسته بکشیم. هم‌چنین، ما باید به‌طور مداوم تذکر تدی روزولت را به یاد بیاوریم: «هرگز کسی را آرام نزن». افغان‌هایی چون دوستم، معاون رییس‌جمهور که مایل‌اند جان‌شان را برای دفاع از جامعه و خانواده‌هایشان علیه افراط‌گرایان خطر کنند نباید به‌عنوان بخشی از گفتمانی که نشان می‌دهد اقلیت‌ها در شمال افغانستان عمداً توسط بنیادگرایان اسلامی هدف قرار خواهند گرفت و کشته خواهند شد، بدنام شوند. در عین زمان، اگر احتمالاً به غیرنظامی‌بی ناخواسته آسیب می‌رسد، امریکایی‌ها نمی‌توانند واحدهای طالبان را در مناطق پشتون‌نشین هدف قرار بدهند. این دوگانگی دوام نمی‌آورد.

سرانجام، ما باید درک کنیم که پاکستان دوست ما نیست. ما باید به کمک‌های اقتصادی و نظامی به پاکستان پایان بدهیم، چون این کشور از طالبان حمایت می‌کند، طالبانی که شهروندان متحدان امریکایی و امریکا را می‌کشند.

ایالات متحده باید گفت‌وگویی را با رهبران معتبر اقلیت‌های بلوچ، سندھی و پشتون پاکستان آغاز کند. هند دارد به‌عنوان یک نیروگاه جهانی ظهور می‌کند. آسیای مرکزی آماده‌ی شگوفایی است، در حالی که چین، روسیه، جاپان و هند تجارت را افزایش می‌دهند. کشورهای منطقه یک منفعت حیاتی مشترک دارند: شکست دادن بنیادگرایی اسلامی و ترور و ایجاد یک افغانستان با ثبات که به تمام گروه‌های اجتماعی آن احترام بگذارد.

یک افغانستان در صلح و متصل به ساختارهای اقتصادی در حال ظهور پان آسیایی می‌تواند سرانجام حالت عادی و شگوفایی را در این کشور پر از مشکل برگرداند؛ وضعیت عادی و رفاهی که این کشور شایسته‌ی آن است. این کشور شایسته‌ی آن است. رییس‌جمهور دونالد ترامپ می‌گوید که قصد دارد در مورد سیاست‌های ناکام داخلی و خارجی ما دوباره بیانده‌یشد و تجدید نظر کند. او نباید افغانستان را نادیده بگیرد. تغییرات قابل مدیریت، هوشمند و مقرون به صرفه در سیاست‌ها در حال حاضر می‌تواند سود استراتژیک قابل توجهی در یک دوره‌ی نسبتاً کوتاه داشته باشد.

این که شهردارها، والی‌ها و افسران اجرای قانون از طرف حکومت مرکزی بر آن‌ها تحمیل می‌شود، ناراض و خشمگین هستند. امریکایی‌ها هرگز چنین زیاد روی حکومت را تحمیل نخواهند کرد.

سوءقصد اخیر به جان عبدالرشید دوستم، معاون رییس‌جمهور، مثالی است که نشان می‌دهد چگونه سیاست ناکام ما اوضاع را بدتر می‌سازد. حامیان او از اکثریت مردم در ولایت‌های شمالی افغانستان نمایندگی می‌کنند. به یاد بیاورند که پس از حملات [یازدهم سپتامبر] ۲۰۰۱ بر مرکز تجارت جهانی و پنتاگون، جنرال دوستم جنگجویان محلی ازبک، تاجیک و هزاره را در جنگ علیه ارتش طالبان رهبری کرد. آن‌ها، به کمک پشتیبانی هوایی ایالات متحده و نیروهای جاسازی‌شده‌ی ویژه‌ی امریکایی، قادر به شکست ارتش طالبان بودند.

این نبرد صرف یک نفر تلفات امریکایی داشت. دوستم آن جنگجویان را از پشت اسپ علیه تانک و تفنگ طالبان رهبری کرد. اکنون، او و سربازان اسپ سوار بی‌باک و قهرمانش در یک تندیس سوار بر اسپ که به بنای یادبود پاسخ امریکا شهرت دارد، به تصویر کشیده شده‌اند. این تندیس در «گروند زیرو» در شهر نیویورک است.

امروز، شمال افغانستان به‌منابه‌ی دروازه‌ی ورودی آسیای مرکزی، به هدفی برای جنگجویان طالبان و داعش تبدیل شده است. ارتش ملی افغانستان قادر به شکست آن‌ها نبوده است؛ چیزی که دوستم، حالا-معاون رییس‌جمهور، را ترغیب کرده است تا خودش به جبهه برود و جلب حمایت کرده و حمله‌ی طالبان را دفع کند.

در ماه اکتوبر، در حالی که کاروان حامل دوستم از ولایت فاریاب می‌گذشت، او و همراهانش کمین شدند. بیش از ۵۰ تن از محافظانش کشته شدند و بسیاری دیگر زخم برداشتند. دوستم به سختی زنده فرار کرد. این حمله سزاوار قوی‌ترین محکومیت‌ها بود. نیروهای ارتش ملی و دیگر واحدهای امنیتی تحت کنترل حکومت چند ساعت قبل از حمله از معاون رییس‌جمهور دور شدند که نشان‌دهنده‌ی امر شومی است. دوستم صرف با دسته‌ی امنیتی شخصی‌اش رها شد که از او دفاع کنند. این رویداد، نمونه‌ی از بی‌تفاوتی حکومت پشتون در دفاع از مناطق غیرپشتون علیه حملات

ایالات متحده و «جامعه‌ی جهانی» افغان‌ها را وادار کردند تا حکومت‌داری متمرکز را، باوجود مقاومت داخلی زیاد، بپذیرند. پس از رفتن کرزی از صحنه‌ی سیاسی در سال ۲۰۱۴، ایالات متحده تلاش کرد تا فاحش‌ترین ویژگی‌های حکومت‌داری فاسد او را با تحمیل یک ترتیب دشوار تقسیم قدرت میان رییس‌جمهور اشرف غنی و عبدالله عبدالله «رییس اجرائیه»، اصلاح سازد. این ترتیب نیز شکست خورده است.

زمان آن فرا رسیده است که به مردم افغانستان اجازه داده شود آینده‌ی‌شان را تعیین کنند. آن‌ها باید آزادی‌های آتی را داشته باشند:

- [آزادی] انتخاب یک نظام سیاسی به سبک فدرال.
- [آزادی] انتخاب رهبران بدون محک قومی.
- [آزادی] به‌رسمیت شناختن مرز با پاکستان.
- [آزادی] ایجاد شبه‌نظامیان و نیروهای شهریان

ایالات متحده و دیگر قدرت‌های غربی باید کم‌کم به منافع تمام بازیگران منطقه‌ی در افغانستان، از جمله هند و کشورهای آسیای‌میانه، توجه کنند. افغان‌ها باید به علف‌کش‌های ضد خشخاش دسترسی داشته باشند. محصول خشخاش که عمدتاً در مناطق پشتون‌نشین کشت می‌شود، ستون فقرات شبکه‌های تروریستی پاکستان-طالبان است و فساد هدفمند را به نیروی اصلی در بخش کلانی از اقتصاد افغانستان تبدیل می‌کند. نظام سیاسی‌بی را که ما ساختیم به هدف قادر ساختن کابل به کنترل این کشور طرح شده است، اما این نظام به طرز ناامیدکننده‌ی نتیجه‌ی معکوس می‌دهد. این نظام، افغانستان را غیرقابل کنترل می‌سازد و متحدان طبیعی ما را در داخل افغانستان تضعیف می‌کند - آن‌هایی که با اسلام رادیکال می‌جنگند یعنی گروه‌های قومی تاجیک، ازبک و هزاره که از اکثریت جمعیت چندقومی افغانستان نمایندگی می‌کنند. اما ما بر تضعیف آن‌ها اصرار داریم و تملق پشتون‌ها را می‌کنیم - گروهی از اکثریت قاطعی از بنیادگرایان اسلامی از آن ظهور می‌کند. رییس‌جمهور افغانستان تا امروز تمام والی‌ها، شهردارها، روسای پولیس - و حتی معلمان مکاتب - را تعیین می‌کند. این، نه‌تنها مشوق فساد بیشتر است، بلکه مشروعیت را تضعیف می‌کند. مردم از

پانزده سال بعد، پس از [کشته شدن] هزاران تن و [مصرف شدن] میلیاردها دلار، ایالات متحده نتوانسته است به بسیاری از اهداف کلیدی‌اش در افغانستان دست یابد. مأموریت ناکام شده است. حالا چه؟ رویکرد فعلی ما، اگر ادامه یابد، یک آینده‌ی پر هرج‌ومرج برای افغانستان و یک دروازه‌ی باز برای اسلام‌گرایان افراطی در آسیای مرکزی تضمین می‌کند. چنین حالتی از یک شکست استراتژیک کلان برای ایالات متحده خبر می‌دهد. اسلام‌گرایان سرانجام به‌دنبال به‌دست گرفتن کنترل در افغانستان و پاکستان هستند که سپس به آسیای مرکزی توسعه می‌یابد.

سقوط ناگهانی در افغانستان بدان معناست که ما با یک مناقشه‌ی جهانی دیگر روبه‌رو خواهیم شد. ترکیه به یک دولت اسلامی بدل شده است و کشورهای خلیج گروه‌های تروریستی تندرو سنی‌مذهب را تأمین مالی می‌کنند که هدف‌شان محاصره و مهار ملاحا در ایران،

به‌شمول افراط‌گرایان در افغانستان، است. آیا اسلام‌گرایان به اهداف‌شان خواهند رسید؟ خیر، و ما نمی‌خواهیم پی ببریم. آن‌ها باید حالا شکست داده شوند، زمانی که وضعیت هنوز قابل مدیریت است. یک استراتژی جانشین می‌تواند جلوی یک فاجعه‌ی استراتژیک در آینده را بگیرد.

تلاش‌های ناشایسته‌ی ما در راستای ملت‌سازی در افغانستان روی سه رکن لرزان استوار است که نیاز به تجدید نظر دارد:

- تصمیم‌گیری سیاسی به‌شدت متمرکز
- کنترل پشتون‌ها بر حکومت مرکزی بیش از حد متمرکز، پولیس ملی و ارتش ملی افغانستان
- احترام بیش از حد به منافع و سیاست‌های پاکستان در افغانستان و منطقه.

این طرح ناقص، ریشه در رویدادهای کلیدی تاریخ معاصر افغانستان دارد: حمله‌ی ایالات متحده در افغانستان (در پاسخ به حملات یازدهم سپتامبر) و به دنبال آن موافقت‌نامه‌ی بن در دسامبر ۲۰۰۱ برای بازسازی ساختار دولت افغانستان پس از جنگ. ایالات متحده و سازمان ملل متحد با شکست طالبان حامد کرزی، یک پشتون، را بر مردم افغانستان بر خلاف اراده‌ی آن‌ها تحمیل کرد. بعداً، در جریان لویه‌جرگه‌ی قانون اساسی در دسامبر ۲۰۰۲ در کابل،

# تحقیق سازی تحت عنوان خدمت

ستار ثابت

## چهلک

سخن سخی داد هاتف

### نر کاکه دوست داریم

یکی از پژوهشگران فعال در حوزه «د افغانستان تمدن» از من پرسید که چرا افغانها از ترامپ خوششان می‌آید. عرض شود که از میان رخدادهای جهان آنهایی که دل یک افغان را باغ‌باغ می‌کند همان‌هایی‌اند که یک مقدار بی‌آب کردن داشته باشند و با حد قابل قبولی از دهان می‌دهند همراه باشند. اگر به یک افغان بگویید که فلانی در مقاله‌ی بسیار خوب اثر فلان نویسنده را «ارزیابی» کرده، چرتش خراب نمی‌شود. یعنی بعید است با همین مقدار برانگیخته شود که ببیند جناب منتقد در ارزیابی خود چه گفته است. اما اگر بگویید که فلانی فلانی را بدرقم بی‌آب کرده، شما را به سر هر چه که دوست دارید سوگند می‌دهد که آن نوشته را برایش بفرستید. برای همین هم هست که رفتن دانلد ترامپ به کاخ سفید در میان افغانها با استقبال روبه‌رو شده. متأسفانه ترامپ فارسی دری نمی‌داند و گرنه باور کنید هیچ‌کس به اندازه‌ی افغانها از سخنرانی‌های او لذت نمی‌برد. مجید همسایه‌ی ما یک آدم معمولی است (البته گور و گردن او؛ می‌گوید که سی‌وشش سال پیش در کابل نصف کارته چهار و تمام مطلقه‌ی باغ بالا از پدرش بوده و استاد محمد حسین سرآهنگ پیش عمه‌ی او موسیقی آموخته). این مجید می‌آید و آهی می‌کشد و کاغذ جرمه‌ی را که پولیس به او داده سر میز می‌گذارد. حتماً از چراغ سرخ گذشته، چون در این بیست‌وشش سالی که در لندن بوده همیشه سوازش این بوده که «چراغ سرخ‌اش را کی کشیده دیگر». اما شما فکر می‌کنید مجید همین را می‌گوید و تمام؟ نخیر. مجید می‌گوید: «شب چهارشنبه نخواستیم. گفتیم به مذهب خوابیدن بشاشیم. نمی‌خواستیم. شب پنج‌شنبه نخواستیم. شب جمعه نخواستیم. سه شب و سه روز نخواستیم. امروز که شنبه است، راستی شنبه است یک یکشنبه؟ از شاهراه برآدمم به سرک فرعی. بی‌ناموس‌ها چراغ را در سر سرک فرعی گذاشته‌اند. گفتیم برو پناه به خدا. با سرعت ۱۲۰ کیلومتر می‌رفتم. از چراغ سرخ که گذشتم بی‌ناموس پولیس مرا ایستاد کرد. آمد که زن. او خدا جان، مجید را پولیس زن ایستاد کند. پیش خود گفتیم که این زنکه را یک سبق بدهم که تا زنده است از یادش نرود. گفت چرا از چراغ گذشتی؟ در دلم می‌گفتم که به رویش تف بیندازم. باز لاجول گفتم. گفت افغان استی؟ گفتم بلی. گفت چرا قانون را مراعات نمی‌کنی؟ یک زن پنخ بدقواره. همین سوال کرده می‌رود. گفتم چاقو بکشم و دو نیمش کنم. باز لاجول خواندم. جرمه را که نوشت، جرمه را پیش رویش قات کردم و در جیبم گذاشتم. خیلی زوروش داد. کاغذ جرمه را که در جیب خود بگذاری پولیس لندن را در دادی. این یادتان باشد. حالی هم تو فکر می‌کنی من این جرمه را می‌دهم؟ من زن این پولیس را... توبه، روزه به دهانم است...»

مجید دو ساعت دیگر هم سخنرانی می‌کند و فحش می‌دهد. می‌گوید: «اگر یک نر کاکه پیدا شود، به خدا برایش رای می‌دهم. صدراعظم که زن شد، پولیس که زن شد، مزه‌ی وطن می‌رود. تو این صدراعظم انگلیس را ببین.»

می‌بینید که بی‌خود نیست که ملت مجیدپرور ما از دانلد ترامپ خوشش می‌آید.



این کشور و مایه‌ی صمیمیت و رسمیت هویتی. یعنی چیزی که تاکنون کارکردی جز واگرایی، کین‌توزی و پراکندگی نداشته، به‌سادگی نمی‌تواند از آن کارکردش عبور کند و به ضد خود، یعنی به عاملی برای همدیگرپذیری، بیرون شدن از طرد و تحقیر قومی در عین به‌رسمیت شناختن و پذیرفتن همه‌ی اقوام این سرزمین و ملت شدن بدل گردد. زیرا یک هیجان زودگذر و سطحی نمی‌تواند آن عقبه‌ی تاریخی زنده‌ی را که زخم‌هایش هنوز بر شانه و جگر زن و مردهای بی‌شمار این سرزمین هویداست، محو کرده و چیز بی‌پایه و ناپیدایی را که در نقطه‌ی مقابل آن قرار می‌گیرد، با آن جایگزین سازد. در کنار این، سیاست منحرف و مافیایی موجود در کشور و غالب بر دید و نگاه دولت‌مداران، سبب گردیده است که کسانی که زمانی از توزیع شناس‌نامه‌ی برقی به‌عنوان یکی از اولویت‌های حکومت‌داری‌شان حرف می‌زدند، امروزه خود از عاملان تعلیق و توقف آن باشند. زیرا شناس‌نامه‌ی برقی در کشوری که فساد برای برخی‌ها همه‌چیز است، این بدی را دارد که دست‌کم قسمتی از امکان‌های فسادآفرینی را از سرچشمه نابود کند. مهم‌ترین گرگ‌ها، انتخابات ریاست‌جمهوری است. افتضاحی که در دو دور نخست ریاست‌جمهوری وجود داشت و در دور سوم به اوج خود رسید، بیشترین امکان‌ش را از فقدان یک سرشماری دقیق نفوس رأی‌دهنده بر اساس شناس‌نامه بود. در ضمن، شناس‌نامه‌ی برقی این مشکل را نیز دارد که احتمال تقلب و تحریف در آن بسیار بالاست. می‌توان با یک ورق تذکره، از آن‌جا که هیچ‌گونه جدیت و دقتی در کار کارمندان و مسئولین -حتما در صورتی که بپذیریم عامدانه دست به تقلب نزنند- در خصوص کنترل و نظارت بر شناس‌نامه‌ها وجود ندارد، برای چندین فرد کارد رأی‌دهی گرفت. به‌علاوه، در صورت تقلب انجام‌شده، هیچ ضمانت و امکانی برای بررسی درست و دقیق بر

اساس تعداد رأی‌دهندگان وجود ندارد. می‌توان جمع این موارد را برای دست‌گامی که قدرت و تسلط را مدیون تقلبات گسترده است، شناس عظیمی به‌شمار آورد. شناس‌نامه‌ی برقی اما، این شناس را از آن‌ها می‌گیرد. از این‌رو، خیلی به‌دور از انتظار نیست که مسئولان و عاملان توزیع شناس‌نامه، به مدیران منع و توقف آن بدل گردند.

اینک مسأله اما این است که به‌تازگی اداره‌ی ثبت احوال نفوس از طرح تبدیل شناس‌نامه‌های کاغذی که به‌شکل ورق‌ی بود، به شکل کتابچه‌ی خیبر داده است. سوای این‌که می‌توان از این مسأله به‌عنوان یک مسخرگی فسادزای دیگر یاد کرد، زیرا فرایندی که این طرح در صورت اجرا به‌دنبال دارد، می‌تواند فرصتی باشد برای حیف‌ومیل کردن پول‌هایی که از این و آن آدرس با گردن‌کجی و گدایی حکومت به‌دست می‌آید و نیز تقلبی که حتی در روند توزیع در خصوص تعداد نفوس قابل تصور است، می‌تواند تلاشی تلقی گردد برای کشتن فرصت‌ها و تحمیق مردم به‌خاطر انحراف افکار و تمرکز آن‌ها از شناس‌نامه‌ی برقی به‌سوی مسایل پراکنده‌ی دیگری که با این طرح به‌وجود می‌آید. شکی نیست اگر این طرح از سوی ریاست‌جمهوری تأیید گردد، که احتمال آن بالاست و حتی بعید نیست که خود سیاست‌ناروایی باشد از سوی حکومت، زمان طولانی‌تری را تا اجرای کامل در برمی‌گیرد و در حالتی که حکومت باید برای انتخابات پیش رو اندک‌اندک آمادگی بگیرد، این مدت‌زمان می‌تواند بدبختی‌های فراوانی خلق کند. چیزی که نمی‌توان به انکار آن پرداخت اما، این است که تحمیق‌سازی برهنه‌ی در این طرح نهفته است و آن، به فراموشی سپردن شناس‌نامه‌ی برقی و مصروف نگه‌داشتن مردم است. بنابراین، نمی‌توان در هیچ‌صورتی با دید خوش و موافق به این طرح و فرایند توزیعش نگرست.

به شتر می‌گویند چرا گردنت کج است؟ شتر پاسخ می‌دهد: کجایم راست که گردنم نیست؟ این لطیفه، بیان وضعیتی است که افغانستان در آن قرار دارد. توزیع شناس‌نامه‌های برقی دست‌کم از دو سال بدین‌سو، مایه‌ی جنجال و ماجراهای بسیاری بوده. راستش، حتا زیاد معلوم نیست که دلیل توقف توزیع این شناس‌نامه، چیست. در عنصر قومیت در آن و یا ذکر کلمه‌ی «افغان» برای تمام اقوام کشور، مسأله‌ی است که ریشه در جاهای دیگری دارد. بدین‌لحاظ که ماجرای قومیت، قبل از این‌که پیش به شناس‌نامه به‌عنوان یک مورد مشکل‌ساز باز شود، دست‌مایه‌ی بسا تنش‌هایی بوده که می‌توان بخش بزرگی از تباهی دیرینه‌ی این کشور را به پای آن ثبت کرد. یعنی همین مسأله‌دار و حساس بودن قومیت پیش از ماجرای شناس‌نامه‌ی برقی بود که با دخالتش در روند توزیع و چگونگی مشخصات شناس‌نامه، باعث شد مدت زیادی تنشی بزرگ میان حکومت و بخشی از مردم پدید آید. ناروایی آشکاری در این مسأله وجود داشت و آن، همانا طرح اکثریت‌سازی مسخره‌ی قومی از سوی حکومت بود. البته بنا بر دلایلی می‌توان برای این طرح، توجیهاتی هم یافت. ساده‌ترین توجیه مثلاً این‌که «افغان»، نه کلمه‌ی دارای بار قومی، بلکه هویت ملی و جغرافیایی است. اما با این توجیه، ما با بخش وسیعی از تاریخ این کشور مشکل پیدا می‌کنیم. «افغانه» نه در متن مکتوب و نه در تاریخ شفاهی، هیچ‌گامی معنایی فراتر از بازتاب‌دهندگی هویت قومی نداشته و چه بسا در مواردی، درست همین کلمه بوده که نوعی از نگاه برتری‌طلبی نژادی را در اذهان مردم این کشور تداعی کرده است. صورت تاریخی این امر، این است که نفس کلمه‌ی «افغان»، بیان صریحی است از واقعیت قوم‌گرایی بدوی در این کشور. لذا، به‌مشکل می‌توان پذیرفت که اینک این کلمه و آن بار و عقبه‌ی تاریخی تلخش، چتری شود برای عموم اقوام

### هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz	
6 Months	120\$ USD
Annual	200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها	
۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه
۵۰۰۰ افغانی	یک ساله

برای متعلمین و محصلین	
۲۰۰۰ افغانی	شش ماهه
۴۰۰۰ افغانی	یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- سردبیر: خلیل پژواک
- دبیر خبر: عصمت الله سروش
- گزارشگر: الیاس نواندیش
- ویراستار: عمران راتب
- صفحه آرا: هادی دریابی
- بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ایمیل: [dailyetilaatroz@gmail.com](mailto:dailyetilaatroz@gmail.com)
- آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
- مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
- چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



## دخیا: پوگبا اشتباهات بازی لیورپول را پشت سر می گذارد

دیوید دخیا، دروازه‌بان منچستریونایتد به تمجید از پل پوگبا پرداخت و مدعی شد که او عملکرد ضعیفش مقابل لیورپول را پشت سر خواهد گذاشت.

هافبک فرانسوی در جریان تساوی ۱-۱ تیمش مقابل لیورپول عملکرد ضعیفی داشت و یک پنالتی به حریف داد. دخیا که از ابتدای حضورش در منچستریونایتد به شدت تحت فشار بود رفته رفته توانست از این فشار خارج شود، مدعی شده که پوگبا نیز روندی

### لواندوفسکی: با خوش چانسی پیروز شدیم

روبرت لواندوفسکی، مهاجم بایرن مونیخ، معتقد است تیمش خوش چانس بود که توانست در دقایق پایانی دیدار مقابل فرایبورگ به گول پیروزی برسد.

در این دیدار که با پیروزی ۲-۱ بایرن به پایان رسید، ابتدا فرایبورگ با گول یانیک هابِرر پیش افتاد اما لواندوفسکی در همان نیمه اول کار را به تساوی کشید و در نهایت با به ثمر رساندن گول دوم در وقت‌های اضافه بازی، سه امتیاز بازی را نصیب باورایی‌ها کرد. او به خبرنگاران گفت: «دیدار بسیار دشواری بود و ما توانستیم موقعیت‌های گول‌زنی

### دی ماریا: علاقه‌یی به رفتن به لیگ چین ندارم

آنخل دی ماریا، ستاره ارجنتاینی پاری سن ژرمن، تاکید کرد که قصد رفتن به سوپرلیگ چین را ندارد. دی ماریا فصل گذشته در اولین فصل حضورش در لیگ فرانسه نمایش‌های بسیار خوبی داشت اما این فصل نتوانست انتظارات را برآورده کند.

در نتیجه شایعاتی در مورد احتمال رفتن او به لیگ چین مطرح شده اما او تاکید کرد که به دنبال رسیدن به موفق‌های بیشتر با پی اس جی، از جمله فتح چمپیونزلیگ است. او به خبرنگاران گفت: «من از بودن در اینجا کاملا راضی هستم و هنوز دو سال از قرارداد باقی مانده است. خانواده‌ام هم از بودن

### مورینو: رکورد ۱۶ بازی بدون باخت اهمیتی ندارد

در لیون عملکرد خوبی داشته باشد و ممکن است روزی به این‌جا بازگردد.»

عملکرد تیم در بازار زمستانی: «از نظر من بهترین زمان برای خرید بازیکن تابستان است. به نظرم تنها زمانی باید در جنوری خرید کرد که شرایط اضطراری باشد یا حضور آن بازیکن شرایط تیم را خیلی بهتر کند. اعتراف می‌کنم که خرید کردن در این فصل بسیار دشوار است.»

۱۶ بازی بدون شکست من یونایتد: «من هرگز در مورد این آمار نگران نیستم، زیرا ما هرگز برای حفظ رکوردها به میدان نمی‌رویم و همه هدف ما بردن همه بازی‌هاست. تنها هدف پیش ما پیروزی است و ما برای رسیدن به آن ریسک می‌کنیم. در دیدار برابر استوک، برای نباختن و حفظ رکورد به میدان نمی‌رویم. البته این رکورد بسیار خوب است اما برای حفظ آن فوتبال بازی نمی‌کنیم.»

# اطلاع‌ها

یکشنبه | ۳ دلو، ۱۳۹۵

سال ششم | شماره ۱۲۳۱

### گواردیولا:

### سیتی ثبات بارسا و بایرن را ندارد

پپ گواردیولا، سرمربی منچسترسیتی مدعی شد که تیم فعلی او مثل بارسلونا و بایرن مونیخ بازی می‌کند ولی مشکل آن عدم ثبات است.

گواردیولا در طی مدت زمان حضورش به عنوان سرمربی روی نیمکت تیم‌ها، ۱۸ جام از آن خود کرده است. او در انگلیس نیز شروع خوبی داشت ولی رفته رفته تیم او دچار افت شد و فشارها بر او بیشتر و بیشتر شد. حال سرمربی اسپانیایی مدعی شد که عملکرد تیمش مشابه بارسا و بایرن است ولی ثبات آن‌ها را ندارد.

او گفت: «ما بارها خوب کار کرده‌ایم، خوب بازی کردیم، در پاس‌کاری‌ها دقیق بودیم، سرعت بالایی داشته‌ایم ولی ثباتی که در بارسا و بایرن بود را نداریم. ۳ پیروزی کسب می‌کنیم و در بازی چهارم مطمئن نیستیم که پیروز خواهیم شد و این مشکل بزرگی است. از نظر من، ما به شرایطی رسیده‌ایم که گول‌زنی نمی‌کنیم ولی تیم‌های بزرگ همگی متعدد گول می‌زنند. بازیکنان خوبی داریم. برای‌شان احترام قائم و دلیلی نمی‌بینم که آن‌ها را زیر سوال ببرم.»

### کونته: به کاستا

### صد در صد اطمینان دارم

آنتونیو کونته، سرمربی چلسی به تمجید از دیگو کاستا پرداخت و گفت که به او اعتماد کامل دارد.

مهاجم اسپانیایی در جریان پیروزی ۳-۰ چلسی مقابل لسترسیتی از روی نیمکت بازی را دنبال کرد و گفته می‌شد که به علت تمایلش برای رفتن به چین نیمکت‌نشین شده، هر چند که باشگاه علت این نیمکت‌نشینی را مصدومیت او عنوان کرده بود. با این حال کونته تاکید کرد که اعتماد کامل به مهاجم برزیلی‌الاصل خود دارد.

او گفت: «تمرکز و تفکر دیگو در سطحی است که من می‌خواهم. او از لحاظ روحی آماده بازی کردن است. من می‌توانم دستانم را در آتش کنم. چه معنایی خواهد داشت؟ در ایتالیا، اگر دست‌تان را در آتش کنید یعنی صد در صد مطمئن هستید. یعنی صد در صد به شرایط اطمینان دارید. اگر دیگو متمرکز نباشد و فیکس شود، مشکل من است زیرا متوجه آن نشدم. من انتخابم را کردم و این می‌توانست انتخاب بدی باشد. این مشکل بازیکنان نیست بلکه مشکل من است زیرا این هفته، متوجه نشدم که او آماده و متمرکز نیست و به شرایط دیگری فکر می‌کند. هر بار که دیگو بازی می‌کند همیشه با تمام وجود ظاهر می‌شود، هم برای این پیراهن و هم برای این باشگاه. من مطمئنم اگر دیگو فیکس شود، با تمام وجود برای باشگاه بازی می‌کند، برای این پیراهن و هواداران و هر کاری می‌کند که پیروز شود.»

### کلوپ: اوریگی و استوریج هنوز با

### کیفیت هستند

استوریج و اوریگی در دیدار مقابل پلایموث که با برتری ۱-۰ لیورپول همراه بود نتوانستند درخششی داشته باشند و اوریگی در جریان بازی یک پنالتی نیز از دست داد. مهاجم هلندی از اواسط دسامبر موفق به گول‌زنی نشده و استوریج نیز در ۱۲ بازی لیگ تنها ۲ گول به ثمر رسانده است. حال سرمربی آلمانی لیورپول مدعی شد که افت این دو بازیکن قابل درک است.

او گفت: «نگران نیستیم. البته که دنیل و دیووک عملکرد خوبی مقابل پلایموث نداشتند ولی فعلا اوضاع این‌گونه است. آن‌ها کیفیت‌شان را از دست نداده‌اند. البته که در دیگر بازی‌ها هم خیلی خوب نبوده‌اند ولی این کاملا طبیعی است. اوضاع این‌گونه است. ما نمی‌توانیم به همه ریتم بدهیم. مصدوم شدن همه چیز را تغییر داد. ولی من آن‌ها را نه تنها در زمین بلکه در تمرینات هم به خوبی زیر نظر دارم.»

### اور تون و تکذیب انتقال دلو فئو به میلان!

باشگاه اورتون از این‌که میلانی‌ها پیش از به سرانجام رسیدن مذاکرات، انتقال را نهایی اعلام کردند، عصبانی هستند.

پیش از این گفته شده بود که به دلیل عدم توافق بر سر این انتقال قرضی، رفتن دلو فئو به سن سیرو منتفی شده است. دلو فئو این فصل نتوانست انتظارات رونالد کومان را برآورده کند و تنها در ۴ بازی لیگ برتر، از ابتدا به میدان رفت.

### گواردیولا: آگوئرو تا هر وقت بخواهد می‌تواند بماند

این بازیکن ملاقات کرد، این خبر را اعلام کرد.

او در پاسخ به این سوال که چرا وضعیت قرارداد آگوئرو شفاف نیست، گفت: «فکر می‌کنم او قبلا قراردادش را تمدید کرده است. سرخیو تا هر وقت بخواهد، می‌تواند این‌جا بماند. او بهترین مهاجم ماست. ما در گول‌زنی مشکل داریم؛ بنابراین به او نیاز داریم. آن‌چه من می‌خواهم، بهترین شرایط ممکن است. او باید تصمیم بگیرد، نه من.»

### اینیستا بازی با ایبار را از دست داد

باشگاه بارسلونا دیروز تایید کرد که اینیستا از ناحیه پای چپ دچار مشکل عضلانی شده و قطعاً برابر ایبار به میدان نخواهد رفت. هنوز مدت زمان قطعی دوری او اعلام نشده ولی به نظر نمی‌رسد که مصدومیت وی چندان جدی باشد. اینیستا در این فصل ۱۷ بازی برای بارسا انجام داده و یک گول نیز زده است (برابر سلتیک). بارسا امشب در زمین ایبار بازی مهمی در پیش دارد.

### کوتینیو: امیدوارم روزی مانند نیمار باشم

تیم دست پیدا کند. کوتینیو گفت: «نیمار دوست بسیار نزدیک برای من محسوب می‌شود و من از داشتن دوستی هم‌سن که همیشه او را تحسین می‌کنم بسیار خوشحالم. اگر شما به سبک بازی وی در بارسلونا و تیم ملی برزیل دقت کنید قطعاً شگفت‌زده خواهید شد و شکل بازی او همگان را به تعریف و تمجید وا می‌دارد.»

### مورینیو: شاو روزهای سختی را پشت سر می‌گذارد

در فرم و شرایط بهتری باشند. در مورد لوک شاو، حتی در بازی مقابل ردینگ، وقتی می‌توانست از ابتدا در ترکیب قرار بگیرد و ۹۰ دقیقه بازی کند، صبح بازی سرما خورد و آماده نبود. بنابراین حتی در آن بازی که می‌توانست به نفعش باشد، نتوانست بازی کند بنابراین روزهای سختی را پشت سر می‌گذارد.»



تنها چند ساعت بعد از اعلام خبر انتقال قرضی جرار دلو فئو از اورتون، باشگاه میلان همه اخبار مربوط به این موضوع را از روی سایت و شبکه‌های اجتماعی‌اش پاک کرد.

پنج‌شنبه شب بود که باشگاه میلان خبربه خدمت گرفتن این بازیکن اسپانیایی را اعلام کرد اما باشگاه اورتون این خبر را تایید نکرد.

براساس گزارش اسکای اسپورتنس،

پپ گواردیولا، سرمربی منچسترسیتی، اعلام کرد که سرخیو آگوئرو قراردادش را با این باشگاه تا سال ۲۰۲۰ تمدید کرد و تاکید کرد که این ستاره ارجنتاینی اگر بخواهد، می‌تواند برای مدت طولانی در سیتی بماند.

تقریباً یک سال قبل بود که آگوئرو قراردادش را با سیتی تمدید کرد اما این باشگاه هرگز به طور رسمی این خبر را اعلام نکرد اما تنها ۲۴ ساعت بعد از این‌که گواردیولا با یکی از مدیربرنامه‌های

باشگاه بارسلونا تایید کرد که اینیستا نمی‌تواند یک‌شنبه‌شب (امشب) آبی‌ناری‌ها را در بازی مقابل ایبار همراهی کند.

بارسلونا پنج‌شنبه شب هفته گذشته موفق شد در بازی رفت دور یک چهارم نهایی کوپا دل ری، سوسیداد را با یک گول شکست دهد اما خبر بد این‌که اینیستا در نیمه اول دچار مصدومیت شد و نیمه دوم جای خود را به گومز داد.

فیلیپ کوتینیو، ستاره برزیلی لیورپول به تمجید از نیمار، مهاجم هم‌وطن خود در بارسلونا پرداخت.

در ماه‌های اخیر شایعات زیادی در مورد احتمال پیوستن کوتینیو به بارسا و هم‌بازی شدن با نیمار شنیده شده است و بسیاری معتقدند با توجه به سبک بازی او، می‌تواند در بارسلونا به موفقیت زیادی در کنار دیگر ستارگان این

ژوزه مورینیو، سرمربی منچستریونایتد تاکید کرد که لوک شاو، مدافع این تیم، روزهای سختی را پشت سر می‌گذارد.

شاو ۲۱ ساله در این فصل تنها ۷ بازی برای منچستریونایتد در لیگ برتر انجام داده و این در حالیست که او سال گذشته نیز به علت مصدومیت در بیشتر بازی‌ها حضور نداشت. سوال‌ها درباره آینده او بالا گرفته و گفته می‌شود که مدافع تیم ملی انگلیس جایگاهی در ترکیب یونایتد ندارد. با این حال مورینیو مدعی شد که مصدومیت باعث شده تا او نتواند در ترکیب اصلی یونایتد حضور داشته باشد.

او گفت: «شما سعی می‌کنید در ترکیب تیم‌تان بازیکنانی را قرار دهید که بیشتر بازی کرده باشند،

## ژورناليسم زرد، ريس جمهور نارنجی ماهیت تجاری رسانه‌های امریکایی کسب و کار عالی و برای دموکراسی فاجعه‌بار است

JACOBIN/ویکتور پیکارد ■ منبع: ترجمان ■ ترجمه: علیرضا خزایی

### بخش اول

معمولاً «اسپانسر» نامیده می‌شوند، تمامی زمان یکی از بخش‌های برنامه‌ها را از پخش‌کننده‌های تجاری می‌خریدند. این پخش‌کننده‌های تجاری نیز عموماً یکی از پخش‌کننده‌های وابسته به شبکه‌های ارتباطی عمده بودند. نمایش‌های تلویزیونی‌ای همچون «پراهای صابونی» -اصطلاحی که در مورد سریال‌های رادیو در دهه‌ی چهل میلادی به کار می‌رفت و اشاره به شرکت‌های صابون‌سازی‌ای داشت که عموماً اسپانسر این سریال‌ها بودند- به اسپانسرهای کنترل‌آزادانه بر زمان‌های متعدد پخش تبلیغات و حتی تأثیرگذاری در ساخت برنامه‌ها را اعطا کرد.

اف.سی.سی. به بندرت مداخله می‌کرد. این سازمان در سال‌های ابتدایی کارش، علی‌رغم حکم قانونی آن برای عمل در راستای «منافع، سهولت و الزامات عمومی» (که همیشه تفسیر آن‌ها محل مناقشه بود)، اندک چالش‌هایی را در زمینه‌ی سیاست‌گذاری تعریف کرد که در مقابل تجاری‌سازی فزاینده‌ی رادیوی امریکا قرار می‌گرفت. اورت پارکر، اصلاحگر کهنه‌کار رسانه‌ها، با گوشزد کردن روابط نزدیک اف.سی.سی. با شرکت‌های رسانه‌ای بزرگ، ترکیب هیئت تصمیم‌گیری اف.سی.سی. پیش از تشکیلش را چنین به مسخره می‌گیرد: «چهار نفر از بازرسان کمیسیون توسط کمپانی‌ای.تی.اند تی بررسی می‌شدند و سه نفر توسط خود شبکه‌ها». روابط نزدیک پرزیدنت فرانکلین دی. روزولت با شبکه‌های پخش‌کننده نیز لابد در گرم‌تر کردن این رابطه مؤثر بود.

در پایان دهه‌ی سی میلادی، تمامی این اوضاع شروع به تغییر کرد، هنگامی که روزنامه‌ها به خریدن ایستگاه‌های رادیویی روی آوردند یا، در برخی موارد، اقدام به نظارت محتوایی بر برنامه‌سازی کردند. فرانکلین روزولت این ادغام رسانه‌ای را تهدیدی برای دموکراسی و چالشی سیاسی برای سیاست‌های نیو دیل خود قلمداد کرد. او نیازمند واسطه‌ای بود که از طریق آن در این مسیر مداخله کند.

روزولت، در جولای ۱۹۳۹، لری فلائی را به‌عنوان رئیس اف.سی.سی. منصوب کرد. فلائی، به‌عنوان یکی از طرفداران مصمم «نیو دیل» از تگزاس، به انحصار قدرت به‌شدت مشکوک بود. فلائی، از میانه‌ی دهه‌ی سی تا به انتهای آن، در سمت دادستان بخش تنسی و لی بود و با درگیری در مبارزات بر سر سیاست‌گذاری‌های مرفقی برای خود تجربه کسب کرده بود. او در این مقام جدید، به‌عنوان لیبرالی سرسخت که از مبارزه‌ی [سیاسی] لذت می‌برد و ترسی از تحریک صنایع قدرتمند ندارد، شهرتی به‌هم زد. وندل ویلکی، وکیل شرکت‌های بزرگ و نامزد جمهوری خواهان برای ریاست‌جمهوری، فلائی را «خطرناک‌ترین فرد در امریکا» خواند «که می‌تواند رقیب شما شود».

فلائی با کمک دیگر اعضای مرفقی کمیسیون، همانند کلیفورد در، اف.سی.سی. را از صرف یک «پولیس راهنمایی و رانندگی» که تنها با شرایط فنی [برنامه‌سازی] سروکار دارد، به نهادی تبدیل کرد که شبکه‌های پخش‌کننده را به دلیل عدم موفقیت در برآورد ساختن مسئولیت‌های خدمات عمومی‌شان مورد بازخواست قرار می‌داد. تحت سرپرستی فلائی، «نیو دیل» دیرتر از سایر بخش‌های دولت فدرال به حوزه‌ی رسانه رسید، اما ماندگارتر شد.

ادامه دارد...

برنامه‌ریزی نمود و یک سازمان قانون‌گذاری دائمی را برای مخابرات و رسانه‌های سخن‌پراکنی تأسیس کرد: کمیسیون ارتباطات فدرال (اف.سی.سی.).

وظایف اف.سی.سی. در ارتباط با اعطای مجوزها، چنان تعریف شده بود که تضمین کند شبکه‌های خیرپراکنی در خدمت منافع عمومی عمل خواهند کرد. اما دست کمیسیون برای نظارت بر محتوای برنامه‌ها باز نبود، چراکه اعمال سانسور از سوی اف.سی.سی. ممنوع دانسته شده بود. علاوه‌براین، معیارهایی که دریافت‌کنندگان مجوز براساس آن‌ها قضاوت می‌شدند مبهم باقی ماند و از این رو امکان قضاوت‌های دلخواهانه فراهم شد. هرکدام از تلاش‌های اف.سی.سی. برای پایه‌گذاری معیارهای مطابق با منافع عمومی با واکنش صنعت تجاری خبررسانی مواجه می‌شد. این صنعت سازمان را متهم به رفتار قتم‌آبانه و نقض آزادی بیان می‌کرد. بدین ترتیب، سودآوری و خدمات عمومی در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. کنگره، از رهگذر قانون ارتباطات، عمدتاً خبررسانی تجاری را تضمین کرد، آن‌هم به‌ضرر شیوه‌های بدیل غیرانتفاعی‌یی که اصلاح‌طلبان و آموزگاران ارائه می‌کردند. در نتیجه، در روزهای ابتدایی رادیو در امریکا، برخلاف دیگر ملت‌های دموکراتیک، یک نظام قدرتمند خبررسانی عمومی دولتی شکل نگرفت.

تمرکزگرایی در محیطی آغاز شد که فاقد هرگونه بدیل‌های عمومی دولتی و نظارت ساختاری بود. در میانه‌ی دهه‌ی چهل میلادی، چهار شبکه‌ی تجاری این صنعت را تسخیر کردند: کمپانی خبررسانی ملی (ان.بی.سی.)، نظام خبررسانی کلمبیا (سی.بی.اس.)، نظام خبررسانی مشترک (ام.بی.سی.) و کمپانی خبررسانی امریکا (ای.بی.سی.)، که تا سال ۱۹۴۳ تحت عنوان «شبکه‌ی ابی» متعلق به ان.بی.سی. بود. هرگاه سؤالاتی درباره‌ی رسالت اجتماعی نظام‌های خبررسانی عمومی در کشورهای دیگر مطرح می‌شد، مثل بی.بی.سی. (بنگاه خبررسانی بریتانیا) در بریتانیا، مدافعان آن نظام‌ها از امریکا به‌عنوان نمونه‌ی بد یاد می‌کردند که به ما می‌آموزد چه کارهایی را نباید انجام داد.

این روزهای پیش از ظهور تلویزیون، اغلب با عنوان «دوران طلایی رادیو» مورد تجلیل قرار می‌گیرد، اما مسئولیت‌های مرتبط با خدمات عمومی این رسانه همچنان مبهم باقی مانده‌اند. اغلب شبکه‌ها وظیفه‌ی اصلی خود را فروش زمان پخش به سفارش‌دهندگان تبلیغات می‌دانستند. این سفارش‌دهندگان برنامه‌سازی می‌کردند و محصولات خود را تبلیغ می‌کردند. آن‌ها، که

چشم‌انداز رسانه‌های ایالات متحده، از دیگر لیبرال‌دموکراسی‌ها متمایز شده است. امریکا از رسانه‌های دولتی قوی و قدرتمند محروم است و به همین دلیل رسانه‌ها به شکل مفرط تجاری شده‌اند.

ایالات متحده چگونه چنین نظامی را گسترش داد، نظامی که در بسیاری بخش‌ها تحت سلطه‌ی شرکت‌هایی بزرگ و انگشت‌شمار است و تعهدات مبتنی بر منافع عمومی در اداره‌ی آن سهم اندکی دارند؟ آیا این نظم، یعنی نظامی که به‌شدت مرفهون نیروهای خشن بازار است، همانی است که امریکایی‌ها می‌خواستند؟

نگاهی به مسیر رسانه‌های مدرن، به‌خصوص در دهه‌ی چهل میلادی، نشان می‌دهد که نظام ایالات متحده صرفاً بر مبنای معیارهای دموکراتیک و دیدگاه‌های عموم امریکاییان به وجود نیامد. بلکه، در عوض، از دل مجموعه‌ی از کشمکش‌ها بین فعالان، صنعتگران و قانون‌گذاران، بر سر ماهیت بنیادین و نقش نظام رسانه‌ی امریکا، سر برآورد.

در نهایت، منافع تجاری برنده‌ی این میدان بودند.

### مطبوعات ارزان و ژورناليسم زرد

در ایالات متحده، برای اولین بار در نیمه‌ی قرن نوزدهم بود که رسانه‌های سودمحور به سطحی انبوه رسیدند، یعنی زمانی که تغییرات فناوری و رشد خوانندگان «مطبوعات ارزان» را به‌وجود آورد. همگام با تجاری‌شدن روزنامه‌های ارزان و تیراژ بالا، که آغاز وابستگی شدید به درآمدهای تبلیغاتی بود، گزارش‌های احساسی یا «ژورناليسم زرد» گسترش یافت.

روزنامه‌نگاران در واکنش به انتقادات عمومی، که تجاری‌شدن کنترل‌نشده را عامل تنزل صنعت می‌دانست، به‌شکلی فزاینده از هنجارهای حرفه‌ی مبتنی بر گزارشگری بی‌طرفانه و مستند استقبال کردند. علی‌رغم این موضوع، همچنان صنعت روزنامه‌ی امریکا عموماً، برای تأمین کم‌وبیش هشتاددرصد درآمدهایش، وابسته به تبلیغات بود، یعنی رقمی بسیار بیشتر از همتایان آن در سراسر جهان.

با رواج رادیوی تجاری در دهه‌ی بیست میلادی، این رسانه تبدیل به جایگزینی برای مطبوعات چاپی شد. رقابت بر سر امواج رادیویی به‌سرعت شتاب یافت و نهایتاً در سال ۱۹۲۷ منجر شد به تأسیس کمیسیون رادیوی فدرال توسط کنگره. این کمیسیون در پی فراهم آوردن ثبات در قانون‌گذاری، به‌خصوص در حوزه‌ی مسائل فنی، بود. قانون ارتباطات ۱۹۳۴ قواعد را برای این رسانه‌ی جدید

ژاکوبین - عوامل بی‌شماری در انتخاب دونالد ترامپ نقش داشتند: نژادپرستی، بومی‌گرایی و زن‌ستیزی؛ قدرت‌فزاینده‌ی رسانه‌های جمعی به‌عنوان ابزار سیاسی و منشاء اطلاع‌رسانی غلط، و نهایتاً مشکلات اقتصادی برخاسته از سیاست‌های اقتصادی نولیبرال در دولت‌های جمهوری‌خواه و دموکرات.

اما، فارغ از تمام این عوامل، نقش رسانه‌های خبری در توانمندسازی ترامپ نیازمند بررسی دقیق و ویژه‌ی است.

بنگاه‌های خبری و رسانه‌ی، در هر انتخابات، به برجسته‌سازی و چارچوب‌بندی مباحث سیاسی کمک می‌کنند. اما در مورد ترامپ، این بنگاه‌ها کمک کردند او طبیعی و مشروع جلوه کند، نامزدی که نباید هرگز به کسب چنین قدرتی حتی نزدیک می‌شد. رسانه، از رهگذر یکسان‌سازی خطا [بین دو نامزد] و فقدان پوشش جدی سیاست‌های نامزدها، مجموعه‌ی از سیاست‌های راست افراطی را موضوعیت بخشید که می‌بایست، پیش از آن‌که فرصت عرض‌اندام بیابند، مشروعیت‌زدایی می‌شدند.

پوشش مداوم رسانه‌های خبری باعث بیشتر به‌چشم آمدن ترامپ شد و پیام او را به پیامی محبوب بدل ساخت. باین حال، سود این قضیه دو جانبه بود. حتی وقتی که ترامپ به مطبوعات حمله می‌کرد (تمسخر خبرنگاران و مشاجره با آن‌ها، تهدید به تغییر قوانین مربوط به اقترا و تهمت، برگزاری تجمعات در شرایطی که گزارشگران محصور بودند و با آنان برخوردهای خشن می‌شد) همچنان به بازار فروش رسانه‌های عمده کمک می‌کرد. این امر به‌دلیل آن است که پوشش بنگاه‌های خبری، به‌خصوص شبکه‌های تلویزیونی، از ترامپ و پوشش انتخاباتی او به سودی باورنکردنی منجر شد. صیدی که شبکه‌های کابلی از این دوره‌ی انتخابات نصیب‌شان شد چقدر بود؟ دوونیم‌میلیارد دلار؛ یک رکوردشکنی.

تلاش برای سودآوری به تبیین این موضوع کمک می‌کند که چرا رسانه‌ها، به‌خصوص در روزهای نخست انتخابات درون‌حزبی، بر پوشش انتخاباتی ترامپ تمرکز کردند و نه رقبای او. مطالعه‌ی محاسبه کرده است که، در سال ۲۰۱۵، ۳۲۷ دقیقه از زمان مخابره‌ی اخبار شبانه به ترامپ اختصاص یافته است. در مقابل، ۱۲۱ دقیقه به هیلاری کلینتون و ۲۰ دقیقه هم به برنی سندرز اختصاص یافته است. نیویورک تایمز گزارش کرد که ترامپ، در طول پوشش انتخابات درون‌حزبی‌اش، نزدیک به دو میلیارد دلار پوشش رسانه‌ی رایگان دریافت کرد. سایر تخمین‌ها این رقم را نزدیک به سه میلیارد دلار می‌دانند.

«به‌دنبال سود بودن» در دی.ان.ای رسانه‌های تجاری است و برای رسانه‌های خبری، که بر پایه‌ی رتبه‌شان در جلب‌توجه بینندگان عمل می‌کنند، «ترامپ همیشه بحث‌برانگیز» سرمایه‌ی سودآور بود. در همین رابطه لسلی مونویز، مدیر ارشد شبکه‌ی سی.بی.اس، اوایل امسال اذعان کرد: «[نامزدی ترامپ] ممکنه برای امریکا خوب نباشه، اما بدجوری برای سی.بی.اس خوبه». و این‌گونه ادامه داد: «ما داریم پول درمیاریم و این لذت‌بخشه... امسال سال خیلی خوبی برای ما می‌شه... یالا دونالد. همین‌طوری ادامه بده.»

چنین بی‌تفاوتی بی‌شرمانه‌ی نسبت به نقش دموکراتیک مطبوعات آسیب‌های ساختاری آشکاری را در نظام رسانه‌ی ایالات متحده مطرح می‌سازد.



**داریانا افغان هوایی شرکت**  
ARIANA AFGHAN AIRLINES

## تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

**1** مسافری محترم آریانا می‌توانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.

**2** سهولت انتخاب سیت برای مسافری محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافری محترم می‌توانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.

**3** شرکت های سیاحتی می‌توانند برای مسافری گروهی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.

